

آینه

منظر

قورباغه و قناری و رسانه

● **سیدعلی میرفصاح**: روزنامه‌نگاری فی‌الذاته جلوی فریب را می‌گیرد و در پروژه‌های ارباب قدرت ایجاد اخلاص می‌کند. سال گذشته همین‌موقع اگر ما به دوستان‌مان می‌گفتیم در قضایای اقتصادی تهران دست‌های سعودی در کارند، خیلی‌ها باور نمی‌کردند. یکی از عادت‌های بدی که بین ما رواج پیدا کرده، زدن بی‌ملاحظه انگ دایی‌جان پاپلئون است. نه به وقتی که حتی امور ساده زندگی را به توطئه‌های آمریکا و اسرائیل مربوط می‌کردیم نه به این‌روزها که تا صحبت از توطئه می‌کنیم به دایی‌جان پاپلئونی دیدن دنیا مته‌مهم می‌کنند. نه، واضح بود و با چشم غیروسلح هم می‌شد دید که مثلث ترامپ و ریاض و تل‌آویو دور موتورشان را تند کرده‌اند تا یک بار برای همیشه قبال قضیه ایران را بکنند. اتفاقا محاسبات‌شان غلط نبود. همین حضور پرنک در رسانه‌های فارسی‌زبان نشان می‌دهد که بی‌گدار به آب نزده‌اند و با مطالعه همه‌جانبه به فکر تقویت شبکه‌های ماهواره‌ای و کانال‌های اینترنتی افتاده‌اند. منتها آنها حساب اولآ آزادی خبرنگاران و استقلال روزنامه‌نگاران را نکرده بودند، ثانیاً از قدرت خون مظلوم غافل بودند. اگر کسی بگوید این خون خاشاچی بود که گریبان قاتلانش را گرفت، بی‌وجه نگفته است. خدا جای حق نشسته و نمی‌گذارد تا قاتل برای خودش راست‌راست بچرخد و قدرت‌نمایی کند.

دست‌اندرکار

فهمیده‌ها و نفهمیده‌ها

حسین قدبائی: حسین فهمیده در ۱۳سالگی پی به راز حقیقت برد و همچون علمای ربانی، مسافر نور شد اما بعضی‌ها آخرش هم فهمیده را و معجزه فهمیده را نفهمیدند! و توهم زدند بحث نازنکج و تانک است فقط! تخیر! سخن بر سر استعداد انقلاب اسلامی در پرورش انسان تراز اسلام است! که مدرسه‌ای‌اش می‌شود حسین فهمیده و هنرمندش مرتضی آوینی! به قرآن قسم، خز شده که برگرد و عکسی از عکس‌های قدیمی‌تر سید شهیدان اهل قلم را رو کنید و کلی حرف مفت که آوینی این هم بود! و لذا او را اسیر قرائت رسمی نکند! زحمت‌تان بی‌خود است! آوینی خود برای ما از «را طه شده»اش به کرار نوشته که حتی سیبل نیچ‌های هم می‌گذاشته! جوری یک عکس را شرح می‌دهند، کانه سیاره جدید کشف کرده‌اند! افضا، جوانی مشغول به عوالم روشنفکری را که مدام از این کافه به آن کافه می‌رفت، خراب مجنون و راوی فتح‌کردن، هنر است! هنرن که دیروز خمینی داشت و امروز هم خمنه‌ای دارد! والله نشان‌دادن عکس فلان شهید مدافع حرم با ماشین لوکس و زندگی لاکچری و چهره آنچنانی که سابق بر این داشت، هم ارادت ما را به آن شهید مضاعف می‌کند، هم صحه بیشتر بر هنر فرماندهی حاج‌قاسم و صالبت‌ه هنر رهبری حضرت آقا می‌گذارد! از طفل ۱۳ساله، عاشق مفاهیم بلندبالا ساختن و او را تا خط مقدم انسانیت کشاندن که فقط و فقط از خدا بررسی ولاغیر، هنر بزرگی بود که خمینی داشت! و از جوان دیگری در این عصر، قهرمانی در حد جججی آفریدن، هنر بزرگی است که خمنه‌ای دارد! باید هم دست‌پرورده‌های خمینی و خمنه‌ای حتی دل جوانان دیگر کشورها را ببرند! اگر دیروز، شهید احمد قصیر از حسین فهمیده الگو گرفت، امروز من با همین چشم‌های خودم دیدم که جوان عراقی، چگونه عاشق شهید محمدهادی ذوالفقاری شده است! و آن فیلم نوجوان بحرینی را نیز که چطور دل به شهید محسن جججی داده‌اند! هیهات! ما بچه‌دلفین‌های بازیکوش روی آب نیستیم! ما نه‌نگانیم و در قعر دریا!

برقی

زبان بلاتکلیفی

جلال خوش‌چهره: اصرار بر بلاتکلیف نگه‌داشتن اوضاع، تنها به سود جریان‌هایی است که می‌کوشند توران کشور را در برابر تهاجم گسترده تحریمی با کمترین هزینه برای واشنگتن فرسوده کنند. با هیچ منطقی نمی‌توان مخالفت‌هایی را توجیه کرد که به‌طور مستقیم با سیاست‌های کلان و راهبردی کشور در اوضاع جاری مربوط است. برخی اقدام‌ها در راستای بسترسازی روانی و عینی برای آن چیزی است که دولت پرخاشگر دونالد ترامپ در پی آن است تا با ایجاد هم‌سوپی‌ها در جامعه بین‌الملل علیه ایران به کار گیرد. این در حالی است که بیش از همیشه کشور نیازمند اجماع کلان برای کنترل و به تبع آن مدیریت اوضاع بوده و زمان، نقش کلیدی را دراین‌باره ایفا می‌کند. واشنگتن هم‌زمان مشغول واردآوردن فشارهای دوگانه برای تسلیم ایران در برابر خواست‌های استیلاگرانش است. بخشی از این فشارها که با اعمال تحریم‌های اقتصادی انجام می‌گیرد، به‌طور مستقیم افکار عمومی را نشانه گرفته است. هدف، از یک سو کاستن از توان نظام سیاسی برای پاسخ به مطالبات اقتصادی مردم در همه زمینه‌ها، اشتغال، مسکن، منابع مالی و... است. از سوی دیگر، القای این تصور که اصولاً هیچ راه‌حل روشنی برای برون‌رفت از اوضاع در توان تصمیم‌سازان وجود ندارد. به‌این‌ترتیب تحمیل فشارهای جانبی برای فرسوده‌سازی نظام سیاسی در شمار اصلی‌ترین اهداف تاکتیکی واشنگتن قرار دارد.

دیپلماسی

سیدصباح زنگنه، کارشناس روابط بین الملل در گفت‌وگو با «شرق»:

شرایط برای عربستان مانند گار نیست

بعد از برجام می‌توانستیم در تعامل با همسایگان مانع بروز عکس‌العمل‌های تند و حساسیت‌آور شویم



عکس:

مهدی صنیعی

و خود را از هوس تقابل و ایجاد درگیری در منطقه خارج کنند.

کا وجود این دیدگاه همچنان معتقدید که یکی از گام‌های ارتباط با همسایگان باید در حین مذاکرات برجام انجام می‌شد و بعد از توافق می‌توانستیم تعامل بیشتری با همسایه‌های حوزه خلیج فارس داشته باشیم.

بله و به وسیله این‌ تعامل با آنها مانع بروز عکس‌العمل‌های تند و حساسیت‌آور شویم. بخش دیگر موضوع سیاست‌های گوناگونی است که باعث شکل‌گیری اوضاع جدید در عراق و سوریه شده است. در این دو کشور و به نسبت کمتر در لبنان، نوعی تقابل سیاست‌های عربستان و احياناً امارات و قطر در برابر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاد. در سوریه به طور مشخص نیمی از کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس به‌عنوان حامی گروه‌های مسلح و تروریستی علیه دولت مستقر سوریه و حضور ایران در این کشور شدند. در عراق نیز بعد از سقوط صدام حسین عملاً نیمی از کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس و سه کشور از شش کشور برای جبران فقدان عامل تعدیل‌کننده قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه -که صدام عربستان، امارات و سایر کشورها نیز بر این کشور فشار می‌آوردند و سعی می‌کنند به‌وسیله امکانات مادی و مالی سیاست‌های پاکستان را تحت تأثیر قرار دهند. تلفات انسانی فراوانی در عراق شد.

کا مشکل کجوا بود؟ در عراق و سوریه از نوعی عدم وحدت عملی مبتنی‌بر حضور همه مؤلفه‌های دیپلماسی خارجی رنج می‌بردیم و هنوز هم کم‌وبیش رنج می‌بریم. ایران نتوانسته است از همه مؤلفه‌های فعال و مؤثر دیپلماسی خارجی که شامل همه نیروها و دستگاه‌هاست به صورت مشترک استفاده کند تا بتوانند اهداف کلی جمهوری اسلامی ایران را محقق کنند. در این زمینه احساس کمبود می‌شود و از حضور منسجم و هماهنگ همه ابزارها رنج می‌بریم.

کا در مورد عراق اوضاع کمی متفاوت نشدہ است؟ چون در انتخاباتی که اخیراً برگزار شد بسیاری عقیده داشتند که رئیس مجلس، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر جدید به ایران نزدیک هستند.

بله، این یک نتیجه مثبت بود. افرادی برای ریاست سه قوه اصلی در عراق انتخاب شدند که می‌توانند به سود منافع ملی و منطقه‌ای هر دو کشور بر اساس همکاری و هم‌گرایی کار کنند. در عراق با ابزار مذاکره و بحث‌های گوناگون دیپلماسی در برابر فعالیت‌ها و فشارهای همه‌جانبه آمریکا که از سوی وزارت خارجه آمریکا، پنتاگون، CIA، رئیس‌جمهور، کنگره و درمجموع کل نظام آمریکا که در عراق رودرویی نیروهایی که در جمهوری اسلامی ایران نزدیک بودند تهاجم شدید و این موفقیت حاصل شد، اما این موضوع به این معنا نیست که شرایط آینده عراق کاملاً تضمین شده است، بلکه نیازمند همکاری، هماهنگی و حضور همه عوامل و عناصر مؤثر جمهوری اسلامی ایران در تنظیم سیاست‌ها در عراق است و نیازمند حضور جدی‌تر وزارت خارجه در این امور خواهد بود.

کا به سوریه بیرداییم، این کشور هم در آستانه ثبات سراسری است.

در سوریه هم مثل عراق نیاز است که همه عوامل و عناصر فعال در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی حضور داشته باشند. در اینجا تنوع فشارها بیشتر است. هم از سوی کشورهای اروپایی و آمریکا و هم از سوی رژیم صهیونیستی و هم از سوی روسیه. هم‌گرایی وجود دارد، اما ممکن است به‌عنوان رقیب به جمهوری اسلامی ایران نگاه کند، بنابراین تنوع فشارها، تقابل‌ها و اختلاف اهداف بازیگران متعدد دولتی و غیردولتی در سوریه بیشتر از عراق است. بنابراین نیاز است که حضور جامع و فراگیر همه سازمان‌ها و دستگاه‌های مؤثر و عامل و فعال جمهوری اسلامی ایران را داشته باشیم.

کا عناصری که از دیدگاه شما باید به‌صورت جامع هم‌گرایی کنند مشخصاً چه سازمان‌هایی هستند؟ بخش اقتصادی و خصوصی کشور، وزارتخانه‌های صنعتی کشور و وزارت خارجه که باید در مرکزشان قرار بگیرد.

کا ایران در سوریه با ترکیه هم که یکی از کشورهای است که طبق تقسیم‌بندی شما در زیرمنطقه آسیای میانه است، همکاری می‌کند.

دیپلماسی در آن زیرمنطقه چطور عمل کرده؟ به نظر می‌آید در زیرمنطقه قفقاز جنوبی و آسیای میانه و به‌ویژه ترکیه و جمهوری آذربایجان، سیاست‌های مؤثر بوده است. دیپلماسی توانسته این روابط را حفظ کند و توسعه دهد و از بن‌بست‌هایی که بارها در این چند سال پیش آمد، عبور کند که یک موفقیت محسوب می‌شود. در مقابل بین جمهوری‌های آسیای میانه هنوز در سطح کلان و استراتژیک توفیقات بزرگی حاصل نشده، درعین‌حال روابط در سطح عادی حفظ شده؛ نه به‌سوی گسترش و بهبود روابط استراتژیک و نه در مسیر تقابل حرکت کرده است. درحالی‌که زمینه‌های تقابل فراوانی در این منطقه وجود داشته و دارد؛ بنابراین به نظر من حفظ روابط در این منطقه در حد سطح عادی و معمولی بوده، در شرایطی که استعداد حرکت به‌سوی جلو در زیرمنطقه آسیای میانه وجود دارد.

کا به‌تازگی اتفاق تلخ دیگری در مرز مشترک با پاکستان رخ داد و ۱۲ مرزبان ایرانی ربه‌ده شدند. این چندمین بار است که چنین اتفاقی رخ می‌دهد و بعضی از کارشناسان معتقدند پاکستان مرز مشترک با ایران را رها کرده. تابه‌حال هم عمران خان، نخست‌وزیر جدید این کشور، دو بار به عربستان سعودی سفر کرده است.

این شرایط رابطه ما با پاکستان که در زیرمنطقه شبه‌قاره قرار می‌گیرد، چطور پیش می‌رود؟ پاکستان کشور مهمی است و از جمله همسایگانی است که رابطه با آن با کمی تمرکز نیروها و تصمیم‌گیران ایران می‌تواند دچار تحول مهم و چشمگیری شود. البته در پاکستان همه عوامل تقابل، فشار و عوامل رهاشدگی در اینکه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران نتواند دستاوردهای خوب و چشمگیری پیدا کند، بسیار مؤثر هستند. آمریکا همچنان به پاکستان به‌عنوان متحد و تکرانی‌ور نگاه می‌کند و در جهت‌گیری کمک‌ها، اعمال فشار و تلاش برای تسلط بر ارتش این کشور استمرار دارد. عربستان، امارات و سایر کشورها نیز بر این کشور فشار می‌آورند و سعی می‌کنند به‌وسیله امکانات مادی و مالی سیاست‌های پاکستان را تحت تأثیر قرار دهند. حضور هند به‌عنوان رقیب سنتی پاکستان در منطقه هم برخی از سیاست‌های هم‌گرایانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این بحث رهاشدگی برخی از مناطق، استان‌ها، ایالت‌ها و مشکلات طبیعی از قبیل سیل، بحران‌های طبیعی و زیست‌محیطی هم مزید بر علت هستند؛ اما همچنان جامعه پاکستان که شامل مردم، ارتش، سیاست‌مداران و احزاب است، به ایران علاقه و گرایش دارد، اما از این علایق به‌خوبی بهره‌برداری نشده است.

کا به نظر شما چه اقداماتی را می‌توان به کار گرفت؟

با توجه بیشتر، حتی امکان رسیدن به توافقات استراتژیک هم وجود دارد. البته نباید انتظار داشت نخست‌وزیران و رئیس‌جمهوران جدید و سابق پاکستان که بسیاری از آنها نیز فاسد بودند، منافع شخصی، حزبی و منافع ملی را نادیده بگیرند و از کمک‌هایی که دیگر کشورها به آنها می‌کنند، چشم‌پوشی کنند. رفت‌وآمد آقای عمران خان، نخست‌وزیر جدید نیز در همین راستا است. دوستی ایران و پاکستان عمیق و تاریخی است، اما ایران باید در برابر نیازهای روزمره پاکستانی‌ها هم درک صحیحی داشته باشد.

کا پاکستان نیروی کار زیادی هم در کشورهای مانند عربستان و امارات دارد.

پاکستان در عربستان و امارات و اغلب کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیروی کار زیادی دارد. نفت با تسهیلاتی به آنها داده می‌شود و بازار خوبی هم برای تولیدات پاکستان در این کشورها وجود دارد. این عوامل را نباید نادیده گرفت. از سوی دیگر فکر نمی‌کنم ایران در بخش دولتی و خصوصی یک‌دهم سرمایه‌گذاری این کشورها را انجام داده باشد. پس با توجه به عدم انسجام در مجموع سیاست‌ها نباید توقع داشته باشیم که عمران خان را بلافاصله به سمت تهران بیاید و همه امتیازاتی را که از این کشورها به دست می‌آورد، نادیده بگیرد.

کا هند، کشور دیگری در زیرمنطقه شبه‌قاره است که به‌تازگی هم سرمایه‌گذاری‌هایی در ایران کرده است. این کشور دومین خریدار نفت ایران نیز هست و در مقابل سیاست‌های آمریکا علیه ایران هنوز تسلیم نشده. در چند سال اخیر رابطه ایران و هند در چه قالبی بوده است؟

هند قدرت روبه‌رشدی در میان قدرت‌های منطقه‌ای است. هنوز به قدرتی جهانی تبدیل نشده اما قدرت منطقه‌ای معتناهایی است. برقراری تعادل منطقه‌ی بین روابط ایران با پاکستان و ایران با هند، ضروری است. نباید این روابط به معنای اتخاذ سیاست سلبی یا منفی باشد، بلکه نیازمند اتخاذ سیاست ایجابی و مثبت با هر دو کشور است. اگر همکاری در حوزه‌ای با پاکستان انجام شد، نباید به معنای رد یک پروژه دیگر با هند باشد. یا اگر با هندوستان وارد یک همکاری اقتصادی گسترده نفتی یا سرمایه‌گذاری و حمل‌ونقلی شدیم، نباید پاکستان را از دست بدهیم.

ادامه از صفحه اول

شمس جمع شهیدان

اما صدای انقلاب و مبارزات دامنه‌دار که به گوشش رسید، از تصمیم خود صرف‌نظر کرد و ماندن در میان مردم حقیقت‌طلب و انقلابی را بر رفتن ترجیح داد و تحصیل در ایران را انتخاب کرد. دو، سه سالی از درس‌خوندنش در دانشگاه گذشته بود که داوطلبانه به میدان‌های خون و آتش در جبهه‌های دفاع مقدس رفت و در کنار رزمندگان غیور کشورمان به مبارزه با متجاوزان عراقی دست زد؛ اما ایمن رودررویی با دشمن متجاوز چندان به درازا نکشید؛ زیرا با اصابت ترکش خمپاره به کمرش قطع نخاع شد و به بیرون از خطوط مقدم نبرد منتقل شد. برای این بیماری سخت هیچ راه درمانی وجود نداشت که بتواند التیام یابد و به جبهه بازگردد. احمد شمس از سال ۱۳۶۰ زندگی‌اش دگرگون شد. تا مدت‌ها در بیمارستان‌ها یا در آسایشگاه، عمر را سپری می‌کرد تا اینکه به فکر درس‌خواندن و ادامه تحصیل افتاد. او زندگی بیرون از مردم را دوست نداشت، می‌خواست برگردد به زندگی عادی و در درون جامعه تا از بقیه توانایی‌هایش استفاده کند؛ اما با جسمی همیشه در بستر یا نشسته بر ویلچر نمی‌توانست در رشته معماری آن‌گونه که باید و شاید، به علاقه خدمتگزاری‌اش پاسخ مثبت بدهد؛ بنابراین با اندیشه دستیابی به شغل شریف معلمی وارد دانشگاه شد و در رشته زبان و ادبیات عرب ادامه تحصیل داد تا به مدرک کارشناسی ارشد دست یافت و در آموزش‌وپرورش نجف‌آباد استخدام شد. همت این فرزند برومند ایران چنان بلند بود که در چندین سال، هفته‌ای دو، سه روز، با همان صندلی چرخدارش سوار اتوبوس می‌شد تا به قم برود و به زادگاه خویش بازگردد. مدتی بعد یک همسر شهید ازدواج کرد و سال‌هایی چند با آن زن فداکار و دلسوز زندگی کرد؛ اما عمر آن شریفه اقدام کرد و با همسر نیافت و یار جانپازش را تنها گذاشت و به ملکوت اعلی پیوست. احمد رنج‌دیده و مظلوم که به مرور دچار بیماری‌های گوناگون ناشی از آثار قطع نخاعی شده بود، نمی‌توانست به‌تنهایی زندگی‌اش را ادامه دهد؛ بنابراین مجدداً به یازگیری اقدام کرد و با همسر ششیده دیگر که آگاهانه به پیشنهاد یک جانباذ قطع نخاعی جواب مثبت داده بود، ازدواج کرد و دوباره زندگی مشترکی را با این بانوی آماده فداکاری برای خدا و در خدمت یک اینارگر سرلند سامان داد.احمد شمس در شرایط نامناسب بدنی، بیش از ۲۰ سال به عشق و علاقه به تدریس در دبیرستان نجف‌آباد پرداخت، اما در سال‌های آخر به دلیل افزایش بیماری‌های او و رنجوری جانکاهش، توفیق ادامه این خدمت از او سلب شد و برای همیشه به خانه‌نشینی تن داد تا سرانجام در آبان جاری، پس از ۳۷ سال اسارت در دست مصیبت‌های تحمیلی، رهایی یافت و با دلی پردرد به دیدار معبود شافت. شمس آسمان امید و معرفت و بصیرت راستین، غروب کرد، رحمت‌الله‌علیه... او رفت؛ اما چگونه؟ یک روز پیش از اینکه به دوستان شهیدش بپیوندد، نیازمند اعزام به بیمارستان می‌شود، هیچ خودروی بیمابری از طرف ارگان‌های ذی‌ربط برای انتقال او به بیمارستان‌های اصفهان، همان‌جا که پرونده پزشکی‌اش را در اختیار دارند، نمی‌آید؛ چون قبلاً با او گفته بودند که با دیگر از این نوع خدمات به شما نمی‌دهیم. خودتان کارهایتان را انجام دهید، ما هزینه‌هایش را پرداخت می‌کنیم؛ نه احساس همدردی، نه بخشش عاطفه‌ای و نه توجه به تنش‌های روحی یک جانباذ گرفتار در ناملایمات جانکاه که ۳۷ سال او را با این شرایط سخت و پرده‌اند... دوستانش او را با یک خودروی پراید و کپسول اکسیژنی که الزاماً همراه اوست، به بیمارستانی می‌برند و بعد از مختصری رسیدگی و ماندن یک شب در بیمارستان، در مسیر انتقال او به منزل، اکسیژن‌های کپسول به اتمام می‌رسد و این مرد بزرگ در همان خودرو بدون ابتدایی‌ترین امکانات، در میانه راه بیمارستان به منزل جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کند! دردناک‌تر اینکه وقتی این بزرگمرد رحلت کرد، برای تشییع جنازه او یکی از مجهزترین آمبولانس‌های موجود با همه امکانات حمل بیمار را به جای نقش‌کش، برای بردن بیکر نعیف و شریفش به آرامستان جنت الشهدا آوردند؛درباره این جانباذ شهید باید گفت که او با وجود زحمات سال‌های طولانی که دچار آلام فراوان بود، هیچ‌گاه امید به زندگی را از دست نداد و کسی از او نشنیده که از شرایط خسته‌کننده‌اش، گلایه یا جملات یأس‌آلود به زبان آورده باشد، حتی در ماه‌ها و روزهای آخر که باید او را در بستر تر و خشک می‌کردند، به اطرافیان می‌گفته که دعا کنند که این مشکل رفع شود تا اطرافیانش به زحمت نیفتند (به نقل از آیت‌الله احمد عابدینی)، نکته دیگر اینکه او را همیشه شاد و خندان می‌دیدند، تبسم در حالت عادی هم بر لبانش بود و در دیدارهایی که دوستان و اطرافیانش با او داشتند، لطف و طنز و عیبارات داشتند؛درباره این جانباذ شهید باید گفت که معضرا او تر نک نمی‌کرد؛ مگر اینکه شاد و خندان باشد؛ اما نکته مهم این است که شهید احمد شمس از نظر فکری یک انسان متدین و متعهد بود که به اصلاح امور می‌اندیشید و از نظر سیاسی، یک اصلاح‌طلب تمام‌عیار و واقعی بود. بعد از رحلت آیت‌الله العظمی منتظری، به پیشنهاد و در هر شرایطی خود را به مجالس ترحیم سالانه آن مرحوم می‌رساند. در رتأج جانکذاذ شهادتش، هیچ مقامی در هیچ رده‌ای پیام نداد، برای این شهید عزیز، صداسویمیای مرکز اصفهان فقط در یک خبر یک‌سطری، بدون عرض تسلیتی، خبر تشییع پیکر او را اعلام کرد. همین.